

## بسم الله الرحمن الرحيم

### از انقلاب ملتها علیه ظلم و فساد تا عدالت و هدایت خلافت

(ترجمه)

اوضاع ناامیدانه و دردآور در جهان اسلام طوری بالای هم انباشته شده که مردم را به ستوه آورده، خسته نموده، به هلاکت مواجه ساخته و همواره احساس می کنند هیچ کسی به مصیبت و درد و رنجشان توجه نکرده و بیش تر از پیش، وزن و ارزشی ندارند؛ مصیبت های شان افزون گردیده و مشکلات، تمام عرصه های زندگی شان را؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی در بر گرفته اند.

ریشه های اسلام در میان امت اسلامی عمیق است؛ زیرا تمام سیاست های غربی سازی ستمگران، نتوانست آن را بخشکاند. توده های عظیم مردمی از مساجدشان بپا خواسته و قیام نمودند، شدیدترین برخوردها با نظام های جنایتکار، روزهای جمعه بود. نعره های الله اکبر حکایت از آن چه داشت که در دل های مردم و آن حقیر شمردن قدرت ظالمان در برابر قدرت و عظمت الله سبحانه و تعالی بود. در ساده ترین تعبیر بدین معنی بود: امت باور داشت که الله سبحانه و تعالی وی را در برابر گروه حاکم نصرت و یاری می نماید و نیز این که فقط اسلام برای شان انگیزه داده و توان مندشان می نمود؛ زیرا اسلام رمز زندگی شان بوده و با آن می توانند معجزه به بار آورند و و بدون اسلام هرگز ثابت و استوار نمی باشند.

راه حل درست و واقعی مشکلات ما؛ نه نظام دموکراسی و نه هم کمک خواستن از غرب است؛ زیرا ما مسلمانان به دموکراسی و نظام های غربی از خاستگاه و واقعیت احمقانه ای که حکام جنایتکار و حامیان غربی استعمارگران شان ما را به آن حالت رسانده اند، نمی نگریم؛ در غیر آن صورت، باید نظام دیگری را گرچه نظام فاسد ولو بدترین نظام حکومت داری باشد، بپذیریم. به عنوان امت اسلامی و صاحب فرهنگی عظیمی که حامل عقیده درست و نظام عادل الهی بوده و گم شده هر صاحب بصیرت است، باید طوری عمل کنیم که نیاز است. گذشته از این، اگر دموکراسی راه حل مشکلات مردم بوده و آرامش و عدالت را تأمین می نمود، اگر واقعاً چنین می بود، پس چه چیزی ملت های غربی را، از جمله ملت امریکا را واداشته است که علیه نظام سرمایه داری بشورند و عدم رضایت خود را از نظام دموکراسی، که ثروت، سرمایه و قدرت را طوری توزیع می نماید که منحصر به دست اندکی از اقلیت مردم می باشد، ابراز نمایند؟

غربی که مفکوره دموکراسی را ارایه و مطرح می نماید، نه به خاطر آنست که در ارائه آن مخلص بوده و خودش بدان باور دارد؛ بلکه همواره عیوب و نواقص آن را می پوشاند و فقط در مقابل اسلام مطرح می سازد؛ یعنی برای مصروف نمودن مردم و دور نمودن شان از مبدأ حق. علاوه بر این، دموکراسی مفکوره استعماری و متناقض با اسلامی ست که ما به آن ایمان داریم؛ زیرا اسلام بر پیروان خویش واجب نموده تا سیادت را برای شریعت اختصاص داده و حکومت را فقط برای قرآن و سنت قرار دهند.

در حالی که دموکراسی قائل است که دین به دولت کاری ندارد و فرمانروایی را برای انسان‌ها، تشریح و قانون‌گذاری را به‌دوش پارلمان‌ها گذاشته است و این ساده‌ترین و بدیهی‌ترین تناقض آن با اسلام است؛ چون اولین اساس اسلام عبارت است از: لا إله إلا الله محمد رسول الله؛ هیچ معبودی برحق جز الله سبحانه و تعالی نیست و محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده الله است. بدین معنی که حکم و فرمانروایی از آن الله سبحانه و تعالی و سیادت فقط از آن شریعت است.

باید مطمئن و متیقن بود که به آزادی حقیقی دست نمی‌یابیم؛ مگر آن که امت از تمامی انواع غلامی و وابستگی غرب اعم از فکری، سیاسی، نظامی و یاهم اقتصادی، آزاد گردد. برای این که امت آزاد گردد، کفایت نمی‌کند که حکام و یاهم پارلمان را ملغی نموده؛ سپس ندای نظام دموکراسی را سردهیم؛ به صلح خائنانه با یهود راضی شده و به تسلط نفوذ غربی بر سرزمین‌های مان سر تسلیم خم کنیم... تمام موارد فوق به امت نفع نمی‌رساند؛ بلکه باید انقلاب همه جانبه نماییم که اساس آن "لا إله إلا الله محمد رسول الله" باشد. به یک بدیل واحدی برای تمامی نظام‌های امروزی حاکم در جهان فراخوانده و تلاش و کار نماییم، که آن همانا دولت خلافت بر منهج نبوت است تا توسط ما و با دستمان، بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم مبنی بر بازگشت خلافت راشده بر منهج نبوت متحقق گردد؛ چنانچه وی صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«...ثم تكون خلافة علي منهج النبوة...»

ترجمه: ...پس از آن خلافت بر منهج نبوت خواهد آمد...

نویسنده: سناء بن صالح

برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحرير

15 جمادی الثاني 1440 هـ.ق

20 فبروری 2019 م